

نظری به مکتب ادیان

✽ پیشگفتار

✽ يك گواه ديگر

✽ مناظ انسانيت

* * *

پیشگفتار

ناگفته پیداست که بشر هر کجا از دو جنبه است یکی جنبه روح و روان که سمت فرمانروائی را دارد و دیگری جنبه جسم و بدن که از عضلات و اعضا و جوارح تشکیل یافته و سمت فرمانبرداری را دارا است و بعنوان ابزار و ادوات برای انجام مقاصد بکاره می‌رود. وشکی نیست که ارزش وجودی انسان با لحاظ جنبه روحی و روانی اوست و امتیازات و خصوصیات این جهت است که وجه شرافت و برتری بشر بر سایر حیوانات گردیده و گرنه اعضاء بدن انسان ممکن است از اکثر حیوانات ناتوان تر باشد بطوریکه اگر در مقام مبارزه بدنی با یکی از حیوانات اهلی که هزاران مانندش مسخر در دست انسان است بر آید تباہ مقاومت ندارد ولی با استعداد و قوه مغز و فکر و روح بشری ممکن است بر درنده ترین وحشیان مسلط شود و آنرا به بند کشیده و برای انجام مقاصد خود مطیع سازد.

بنا بر این جای تردید نیست که امتیاز بعضی از افراد انسان بر بعضی دیگر نیز به همین ملاک و مناط است و هر فردی که از لحاظ روح و فکر و عقل قویتر است بر کسانی که از این جهت نسبت باو ضعیف دارند فضیلت و برتری و امتیاز دارد هر چند آن افراد از نظر قوای جسمانی و پیچیدگی و ترکیب عضلات سخت تر و سنگین وزن تر

باشند . چنانکه مشاهده می شود بسیاری از دانشمندان و مکتشفین و مخترعین که آسایش و سلامتی مردم جهان امروز مرهون استعداد و قوای مغزی و نتایج فکری آنان است با وجود ضعف و ناتوانی قوای بدنی و شاید با کسالت مزاجی همواره مورد تکریم و تعظیم جامعهها بوده اند بطوریکه فقدانشان ضایعه ای بس اسفناک و فاجعه ای دردناک برای همگان محسوب میشده ولی هزاران فرد سنگین وزن پیل تن که می توانند بارهای سنگین بردارند و راههای دوری را با قدم بیمایند و با مزاجی سالم روزانه مواد غذایی چندین دانشمند را مصرف کنند ابدأ در جامعه مورد توجه نبوده و از مرگشان جز نزدیکان نشان واقف نمیشود .

یك فرد از انسان که دارای مغز فکور سیاسی باشد بطوریکه بتواند خوب در باره آینده فکر کند و مصالح و مضار جامعه را کاملاً بشناسد لیاقت آن پیدامی کند که رهبر جامعه ای گردد و یا بر مایونها جمعیت فرمانروا باشد .

يک گواه ديگر

شاهد ديگر بر ارزش فوق العاده مغز و روان نسبت بسایر اعضا آنستکه هر کس روشن است که هر گاه کسالت و اختلالی در مزاج و یا در یکی از جوارح انسانی پدید آید یا آنکه یکی از اعضا او نارس شود موجب تنزل مقام و شخصیت آن فرد چندان نمیشود ولی اگر اختلالی در اوضاع روانی و مغزی او عارض شود بطور کلی تمام امتیازات شخصی او نادیده گرفته شده این فرد از انسان در شمار حیوانات بلکه پست تر محسوب خواهد شد . اگر دانشمندی عظیم الشان و یا مخترع و مکتشفی با اهمیت و یا سیاستمداری با عظمت نقصی در مزاج و یا جوارحش حاصل شود مثل این که بیمار شود و یا قوه شنوایی و یا بینایی او کم شود و یا خللی در دست یا پا و یا سایر اعضایش عارض شود بهیچوجه این عوارض باعث کم شدن مرتبه و کاستن تکریم و احترامات او نمیشود و او بواسطه اینجهات ابدأ محبوبیت و شایستگی خود را از دست نخواهد داد .

ولی اگر خدای ناخواسته اختلالی در قوای روحی و روانی او پدید آید و عارضه ای بر عقل و فکرش عارض شود بطور کلی تمام وقعتیت و اهمیت خود را از دست داده مورد استهزاء و تمسخر اشخاص پست و بی شخصیت نیز قرار خواهد گرفت و ديگر

در جامعه جائی ندارد بلکه اگر کسالت مغزی اوشدیدتر شود بی درنگ این شخص با اهمیت سابق را به تیمارستان منتقل ساخته و زنجیر بدست و پایش می نهند تا دیگران بلکه خودش از آسیب او تأمین داشته باشند .
عجبا چگونه يك انسان با فضیلت در اثر کسالت و اختلال روانی همردیف حیوانات بلکه بمراتب نازلتر قرار میگیرد با اینکه همین انسان هر نقصی در حواس ظاهری و اعضاء و جوارحش حاصل میشد اطمه ای بمقام و فضیلتش وارد نمیشد .

مناط انسانیت

پس از آنچه گفته شد چنین بدست میآید که میتوان گفت اصولا انسانیت انسان فقط بستگی بجنبه روانی و عقلانی او دارد و بس . بنا بر این بطور مسلم تقویت روح و روان بر هر فردی فوق الماده اهمیتش زیادتز از تربیت و تقویت جسم و بدن است و کسیکه توجهی بارزش روح و روان پیدا کند بخوبی درک میکنند که مضرات روحی و سمیات روانی بمراتب برای بشر خطرناکتر از سهومات و چیزهای بسته برای سلامتی بشر مضرات و همه چنانکه بدن درزندگانی و رشدش احتیاج بتغذیه دارد و کواتهای و بی مواظبتی در جهت خوراک سلامتی را متزلزل ساخته و بسا موجب ناراحتی و اختلال و گاهی نابودی او میشود همچنین روح و روان نیز احتیاج مغربی بتقویت داشته و امور مخصوصی غذای روح شناخته شده که دقت نکردن در تغذیه روانی و مضرات روحی تولید هر گونه ناتوانی و پریشانی در روان انسانی نموده و بسا بسبب زوال عقل و قوه ادراک او میشود .

و ای متأسفانه مردم امروز تمام قدرت خود را در راه تهیه و وسائل و غذاهای گوارا برای بدن و فراهم ساختن انواع ویتامینهای مقوی و ادویه مؤثر در رشد و نمو جسم ، صرف نموده و لا براتوارها برای اندازه گیری خاصیتهای خوراکی و انستیتوهای غذایی تشکیل داده اند و دانشمندان در باره این موضوع وقتها صرف کرده و تا اندازه ای هم خدمت بجایه نموده اند ، اما از لحاظ غذای روحی ابدأ توجهی نداشته بهیچوجه در صدد دفع مضرات اخلاقی و موجبات اختلالات روانی نیستند بلکه اسباب تشویش و فساد فکر و مسموم شدن روح را بوسیله بعضی مطبوعات خطرناک و برنامه های فاسد سینما و رادیو و تلویزیون که باعث نابود ساختن وجدان

وعواطف انسانیت و از بین بردن فضائل اخلاقی و کمالات بشری و فاسد نمودن افکار بتحریر و تهییج قوه شهوانی و حیوانیت است فراهم می سازند .
 و در نتیجه هستی بشر از لحاظ جنبه روانی روز بروز بخطر نزدیک شده و همواره ناراحتی های روحی رو با زدیاد نهاده و بطور سرسام آوری بر شماره بیماران روانی افزوده می گردد .

امیر المؤمنین (ع) میفرماید : مالی اری الناس اذا قرب الیهم الطعام لیلا تکفوا بانارة المصابیح لیبصروا ما یدخلون بطونهم ولا یرهتمون بغذاء النفس بان ینیروا مصابیح البابهم بالعلم لیسلموا من لواحق الجهالة والذنوب فی اعتقاداتهم واعمالهم (سفینه) چه شده که می بینم مردم راهر گاه بخوانند در شب غذا بخورند تحمل زحمت تهیه چراغ می نمایند تا به بینند چه غذائی را صرف می کنند (مباداشیء نامطلوبی داخل غذا باشد) ولی اهمیت بغذای روحی خود نمیدهند که چراغ عقل خود را بنور دانش افروخته تا سود و زیان روان خود را تشخیص بدهند و از بد بختیهای نادانی و عواقب وخیم ناقرمانی در پندار و کردارشان سالم بمانند .
 «نا تمام»

اعتذار

گرچه در شماره های گذشته این نشریه یاد آور شده ایم که در درج وعدم درج مقالات وارده آزاد بوده و مقالات رسیده باز گردانده نمیشود .

ولی مع الوصف از آقایان فضلاء و دانشمندان که مقاله فرستاده اند و با اینکه بعضی از آنها ارزشمند و قابل توجه بوده بواسطه تراکم مقالات و کم شدن صفحات نشریه نتوانستیم آنها را درج کنیم معذرت خواسته و امیدواریم بتوانیم در شماره های آیند جبران نمایم